لحظه‌های قنوت

## اعتماد به خدا و درخواست عاقبت به خیری

**اللهم من أصبح له ثقه أو رجاء غیرک، فقد أصبحت و أنت ثقتی و رجائی فی‌الامور کلها فأقض لی بخیرها عاقبه و نجّنی من مضلات الفتن.**

خدایا! عده‌ای به غیر تو اعتماد می‌کنند و من با اعتماد و امید به تو در همه کارها، شب و روز را سپری می‌کنم پس برایم عاقبت به خیری مقدر کن: و مرا از فتنه‌های گمراه‌کننده رهایی بخش.

**دعای ۵۴ صحیفه سجادیه**

سبک زندگی اسلامی

## عدالت در روابط اجتماعی

بحث از عدالت و جوانب آن از مباحثی است که در قرآن کریم و سیره ائمه معصومین(ع) تأکید بسیاری بر آن شده تا جایی که این مسئله در نگاه قرآنی به اصلی‌ترین رکن اجتماعی اسلام بدل گشته است. جالب آن که این موضوع در نگاه بعضی از دین‌اندیشان تنها به مسئله اقتصادی محدود می‌ماند درحالی که عدالت به گستره تمام روابط فردی و اجتماعی انسان موضوعیت دارد چه نسبت به خود چه نسبت به دیگران و چه در اقتصاد و سیاست و فرهنگ و مسائل خانوادگی و... اما به نظر می‌رسد برجسته‌ترین وجه آن ازنظر تقدم زمانی برای جامعه‌سازی قرآنی عدالت اقتصادی است که زمینه و بستر برپایی عدالت در عرصه‌های دیگر است.

قرآن کریم در باب عدالت، امر به آن را از جانب خدا معرفی کرده و می‌فرماید «ان‌الله یأمر بالعدل» (نحل، ۹۰)- خداوند به اجرای عدالت فرمان می‌دهد- و در جای دیگری می‌فرماید «اعدلوا هو اقرب للتقوی» (مائده، ۸)- به عدالت رفتار کنید که آن نزدیک‌ترین راه رسیدن به تقوی است... از نصوص قرآنی در این‌باره می‌توان این نکته را برداشت کرد که خدا خود در همه مواضع عادل است و به عدالت نیز در همه موضوعات و جوانب آن امر کرده است.

در روابط اجتماعی نیز این اصل براساس نگاه دینی باید در جامعه وجود داشته باشد در روایات و سیره ائمه طاهرین(ع) نیز این نگاه به طریق و با راهکار عینی آن توصیه و ترویج شده است پیامبراکرم(ص) در این‌باره می‌فرمایند: «ای علی! آن چه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران مپسند و آن چه برای خود دوست داری برای برادر و دوست خود دوست بدار؛ تا به عدالت رفتار کرده باشی... و ساکنان آسمان‌ها تو را دوست داشته باشند، و دل‌های ساکنان زمین جای محبت تو باشد» (الحیاه ج۹ ص۷۹۱، تحف‌العقول، ص۱۴).

توجه به نکته در روایت فوق بسیار مهم و راهگشاست به این معنا که به‌طور طبیعی اگر انسان معیار رفتار خود را طوری تنظیم کند که همان گونه که دوست دارد با او رفتار شود با دیگران رفتار کند به طرز گسترده‌ای اعمال و رفتار اجتماعی انسان تغییر خواهد کرد مثلاً همان گونه که دوست دارد ظلم نبیند پس خود نباید ظلم بکند یا همان گونه که از تحقیر خود توسط دیگران تبری می‌جوید دیگران را نیز نباید تحقیر بکند و...

در روایتی از امام صادق(ع) این‌گونه نقل شده است که: «برادران و دوستان- در میان خود- به سه چیز نیاز دارند؛ اگر آن‌ها را به کار بستند (برادری پایدار خواهد بود) وگرنه از یکدیگر جدا خواهند شد و نسبت به هم کینه خواهند ورزید، یعنی ۱- در حق هم انصاف دادن ۲- باهم مهربان بودن ۳- ریشه حسادت را کندن» (تحف‌العقول ۲۳۸)

هم‌چنین در روایت دیگری از امام سجاد(ع) آمده است: «ای محمدبن مسلم! مسلمانان را هم چون خانواده خود بدان، یعنی: بزرگشان را پدر خود فرض کن و کوچکشان را فرزند خود و همسال خود را برادر! (در این صورت) آیا به کدام یک از اینان دوست‌داری ستم کنی؟ و کدام یک را دوست داری طرف دعوا قرار دهی؟ و کدامیک را دوست داری راز نهانش را آشکار سازی (و آبروی او را بریزی)...» (الحیاه، ج۹، ص۷۹۶)

از این‌گونه روایات می‌توان نتیجه گرفت که «از خود انگاشتن» دیگران در جامعه، اصلی اساسی و رکنی بنیادین در روابط اجتماعی از نگاه اسلام است که هم از لحاظ روانی باعث پیوند روحی و محبتی بین اعضا و افراد جامعه خواهد شد و هم از لحاظ اجتماعی وحدت و انسجام اجتماعی را درپی خواهد داشت که در آن جامعه به تبع این اصل، از ظلم و تحقیر تا تهمت و پرده‌دری و بی‌آبرو کردن دیگران خبری نخواهد بود چه آن که این اصل رضای خداوند از خلق خود را نیز همراه دارد.

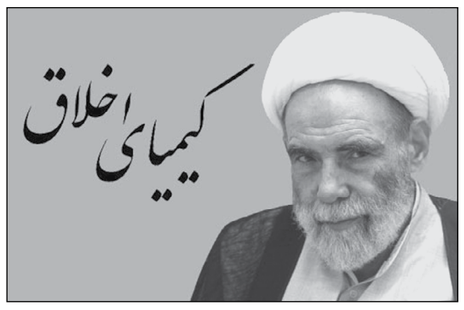


## وظیفه انسان در روزهای خوشی وناخوشی

رُوِیَ عَن عَلِیٍّ اَمیرِالمُؤمِنینَ عَلَیهِ السَّلامُ قالَ:اَلدَّهرُ یَومانِ فَیَومٌ لَکَ وَ یَومٌ عَلَیکَ فَاِذا کانَ لَکَ فَلا تَبطَر وَ اِذا کانَ عَلَیکَ فَلا تَحزَن فَبِکِلَیهِما سَتُختَبَرُ[۱]

حضرت امیر المؤمنین علی (ع) فرمودند:روزگار دو روز است: روزی موافق میل نفسانی و رضایت توست و روزی هم موافق میل و رضایت تو نیست. اگر روزگارموافق میل تو بود، خوشحال و مغرور مشو و اگر مطابق میل تو نبود اندوهگین مباش؛ زیرا تو به هر دو حالت امتحان می شوی.

این تعبیر، مکرّر در کلمات حضرت علی (ع) دیده می شود؛ امّا این روایت یک جملهٔ اضافه دارد و آن هم امتحان در این دنیا است. به عنوان اینکه دنیا را خانه ای فرض کنیم که دم در آن کسی است که می گوید: وضع خانه به گونه ای است که گاهی ناراحتی دارد و چیزی از تو می گیرند و موافق میل تو نمی باشد و گاهی چیزی به تو می دهند که موافق میلت می باشد امّا حواست را جمع کن که اینها حساب شده است و خداوند امتحانت می کند. نه فقط با چیزهای مادی، بلکه بالاتر از آن با سلامتی، بیماری و...

ای انسان! از اوّل که وارد این خانه شدی امتحان می شوی و تو به خاطر دنیا نه خیلی خوشحال و نه خیلی ناراحت بشو. خوشی و ناخوشی دنیا را کنار بگذار، زیرا خانهٔ تو اینجا نیست و از این خانه خارج می شوی.

در روایت هست که حضرت جبرئیل آمد خدمت حضرت نوح (ع)و گفت که تو در میان انبیا، دارای بالاترین عمرها هستی، بگو در دنیا چه دیدی؟ حضرت نوح(ع) فرمودند: مثل خانه ای بود که از این در وارد شدم و از آن در خارج شدم. انسان ببیند چه ظرفیتی دارد؛ آن موقع که امور دنیا مخالف میل اوست آیا جزع و فزع کرده و از خدا شکایت می کند و آن موقع که امور دنیایی موافق میل اوست، خدا را فراموش می کند یا نه؟

[۱] بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۴۴

* پایگاه اطلاع رسانی آیت الله شیخ مجتبی تهرانی(ره)

بررسی دیدگاه قرآن نسبت به امانت‌های محوله به دولتمردان نظام اسلامی

# امانت های خدا و مردم در دست مسئولان

■ جمال ربانی

**اخلاق مهم‌ترین هدف بعثت پیامبران و ارتقای آن در حد محاسن و سپس اتمام مکارم اخلاقی، فلسفه بعثت پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) است؛ چرا که انسانیت انسان در تخلق او به اخلاق الهی است که برآیند طبیعی تعلیم و تزکیه عقل و وحی و نیز خدایی شدن انسان است.**

**اگر بخواهیم کف اخلاق و بنیاد آن را تعیین کنیم، همان عدالت است که به معنای قراردادن هر چیزی در جای مناسب و اعطای حق هر صاحب حقی است.**

**صداقت، وفای به عقد و عهد وامانت کف همان عدالت اخلاقی است که عقل عملی و حکمت عملی بدان حکم می‌کند و به عنوان بایدهای اخلاقی قطری آن را مشخص می‌کند. اگر انسانی امانت‌دار نباشد هیچ بهره‌ای از کف انسانیت و اخلاق عقلی نبرده است؛ چه رسد که خود را مسلمان و مومن بداند. نویسنده در این مطلب با مراجعه به آموزه‌های وحیانی اسلام درباره مسئولیت‌های دولتمردان در برابر امانت‌های خدا و مردم سخن گفته است.**

***

**مراتب سه‌گانه اخلاق**

اخلاق به معنای تخلق به صفات و فضیلت‌های نیک و پسندیده، نشانه انسانیت است؛ چرا که انسان، حیوانی متاله است و می‌بایست دارنده همه صفات و اسمای حسنای الهی باشد که خداوند در هر انسانی قرار داده و فطرت و سرشت او را بدان آمیخته است. (بقره، آیه ۳۱)

اما چرا انسان به دور از این سرشت و فطرت خود حرکت می‌کند و به جای اخلاقی بودن از خلق عظیم دور می‌شود و گرفتار رذالت‌های اخلاقی می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال باید به دو عامل هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی اشاره کرد. این دو عامل موجب می‌شود که انسان برخلاف مسیر فطرت و سرشت خود حرکت کند و سرمایه وجودی خود را از دست دهد و گرفتار خسران شود.

تعالیم وحیانی که از طریق پیامبران در اختیار بشر قرار گرفته به دنبال آن است تا انسان را نسبت به این دو مانع ظهور و بروز صفات الهی در انسان آگاه سازد و راه برون‌رفت از چالش‌های برخاسته از آن دو مانع را بیان کند. از این رو در آیات قرآنی در بیان فلسفه و علت بعثت پیامبران و انزال کتب آسمانی به تعلیم حکمت و کتاب و تزکیه اشاره شده است (آل عمران، آیه ۱۶۴؛ جمعه، آیه ۱۰) تا انسان دریابد که چه موانعی در پیش‌روی اوست و چگونه می‌تواند آن را بردارد و خود را در مسیر کمالی قرار دهد که فطرت به طور طبیعی آن را می‌شناسد و بدان گرایش دارد. (شمس، آیات ۷ تا ۱۰ و آیات دیگر)

عقل و فطرت انسانی بطور طبیعی نسبت به حقایق آگاهی دارد و کلیات آن را در می‌یابد و می‌تواند مشخص کند که چگونه می‌توان حرکت کرد تا در مسیر درست حقایق قرار گرفت و از باطل دوری گزید. بنابراین عقل در مقام نظر، شناخت خوبی نسبت به حقایق دارد و در مقام عمل نیز می‌تواند آن را به عنوان حق و باطل شناسایی کرده و در قالب ارزشی به دو دسته خوب و بد قرار دهد.

*** از نظر قرآن اگر بخواهیم شخصی را ارزیابی کنیم می‌بایست به رفتارهایش نگاه کنیم. بی‌گمان مهم ترین رفتارهایی که براساس آن می‌توان شخص را ارزیابی کرد، رفتارهای مبتنی بر اصول اخلاقی از جمله عدالت، صداقت و امانت است. از این رو خداوند در بیان نشانه‌شناسی و رفتارشناسی شخصیت‌ها به امانت‌داری توجه می‌دهد و آن را ملاکی برای ارزیابی افراد معرفی می‌کند.**

به سخن دیگر، عقل در مقام شناخت، عدالت را درباره هر چیزی می‌شناسد و در مقام عمل نیز بدان در قالب بایدها حکم می‌کند. لذا فطرت انسانی به طور طبیعی خوب و بد را می‌شناسد و با چنین داوری و ارزیابی حکم به باید و نباید می‌کند.

البته برخی از امور، پیچیده‌تر از آن است که عقل به ویژه عقول عادی بشر به سادگی به حقانیت آن پی برد و احکامی را صادر کند، در اینجاست که وحی به مدد انسان آمده است.

با نگاهی به آموزه‌های قرآنی می‌توان دریافت که رفتار اخلاقی انسان دارای سه درجه و مرتبه است: ۱- مرتبه عدالت که عقل نیز می‌تواند آن را کشف کند. در این مرتبه احکامی چون صداقت، امانت، مقابله به مثل و مانند آن از سوی عقل صادر و در قالب بایدهای اخلاقی بیان می‌شود، ۲-مرتبه احسان و محاسن اخلاقی که عقل جز در مقام رشد نمی‌تواند آن را درک کند. اینکه انسانی در برابر بدی به جای مقابله به مثل، عفو و گذشت کند و از بدی و خطای دیگران درگذرد، این گونه نیکوکاری در مراتب رشدی عقل انسان و بلوغ کامل به دست می‌آید که برای بسیاری از مردم در سن چهل سالگی به دست می‌آید چنان که خداوند در قرآن بلوغ کامل عقلی را در این سن دانسته است، ۳-مرتبه مکارم اخلاقی که عقل انسانی آن را درک نمی‌کند مگر آن که به تمامیت بلوغ کمالی خود رسیده باشد و به نظر می‌رسد که حتی نوابغ نیز کمتر به این درجه می‌رسند. در اینجا انسان نه تنها از خطای دیگری می‌گذرد و عفو و گذشت می‌کند، بلکه بدی را به خوبی و نیکی پاداش می‌دهد. این مرتبه که در تمامیت کمال عقل به دست می‌آید، تنها اختصاص به شمار اندک از پیامبران دارد که خداوند آنان را بر پیامبران دیگر فضیلت داده است. در این میان تنها کسی که در اوج قرار دارد پیامبر اکرم(ص) است که خداوند او را به خلق عظیم ستوده است، چرا که ایشان در مقام تمامیت مکارم اخلاقی است.

**مسئولان جامعه اسلامی و امانت‌های الهی**

جامعه اسلامی می‌بایست در مرتبه سوم قرار گیرد؛ زیرا خداوند پیامبر(ص) را اسوه و سرمشق این امت قرار داده و از امت خواسته تا چون ایشان شوند. (احزاب، آیه ۲۱) در این میان مسئولان جامعه اسلامی وظیفه‌ای دشوارتر دارند؛ چرا که اگر توده‌های مردم زندگی خود را به عنوان یک مسلمان در مدار عدالت قرار می‌دهند و به دلیل عقلانیت ابتدایی خواهان عدالت حتی در شکل مقابله به مثل هستند یا مومنان جامعه اسلامی در مدار احسان گام بر می‌دارند و نسبت به بدی دیگران گذشت می‌کنند، مسئولان که نخبگان جامعه ایمانی هستند می‌بایست در مدار مکارم اخلاقی حرکت کنند و بدی دیگران را به نیکی و خوبی پاسخ دهند. از این رو امیرمومنان علی(ع) در زندگی خود به گونه‌ای رفتار می‌کرد که بیانگر مکارم اخلاقی بود و کمتر از حد متوسط مردم از معیشت دنیوی استفاده می‌کرد و به نان جویی قناعت می‌کرد تا فقیرترین افراد جامعه به ایشان تاسی کنند و از وضعیت خود نومید و سرخورده نشوند. پس نه تنها از بیت‌المال برای حال خود استفاده نکرد بلکه حتی از درآمدهای خود که حق طبیعی‌اش بود استفاده نمی‌کرد و آن را میان بینوایان و فقیران تقسیم می‌نمود. ایشان این رویه را پیش از خلافت ظاهری نیز داشت و نخلستان‌هایی که آباد کرده بود وقف فقیران کرد و پس از خلافت ظاهری، خود را در شرایط سخت‌تری قرار داد.

علت اینکه ایشان چنین سیر و سلوکی را درپیش گرفت، آن است که رهبران و مسئولان جامعه اسلامی، سرمشق مردم هستند و می‌بایست به گونه‌ای عمل کنند که تجلی مکارم اخلاقی باشد از سوی دیگر آنان مسئولیتی در برابر خداوند و خلق دارند و باید خود را امین خدا و مردم بدانند؛ چرا که ولایت بر مردم امانتی از سوی خداوند در دست این افراد است؛ (احزاب، آیه ۷۲) در روایات آمده که امانت عرضه شده بر آسمان‌ها و زمین، همان مقام امامت و ولایت است. (نورالثقلین، ذیل آیه) پس همان گونه که هر شخص امین می‌بایست امانت الهی را خوب نگه دارد و به صاحب امانت بازگرداند، اینان نیز می‌بایست مسئولیت ولایت و امامت و رهبری امت را به خوبی پاس دارند و به خداوند بازگردانند. لذا آنان در برابر امانت‌های الهی مسئول و پاسخگو هستند. خداوند در آیه ۵۸ سوره نساء به مسئله امانت‌داری توجه داده که مهم‌ترین امانت در هستی همین ولایت و امامتی است که در اختیار بشر قرار گرفته است. در روایات آمده است که «الأمانات» در این آیه همان مقام امامت است. (نورالثقلین، ذیل آیه) پس کسی که عهده‌دار مسئولیت رهبری امت و دیگر مراتب آن را به عهده می‌گیرد می‌بایست امانت‌دار خوبی باشد و در آن خیانت نکند وگرنه چون منافقان عذاب خواهد شد. (احزاب، آیات ۷۲ و ۷۳)

در آیات قرآنی اموری چون رسالت الهی (اعراف، آیه ۶۸؛ شعراء، آیات ۱۰۷ و ۱۲۵ و ۱۴۳ و ۱۶۲ و ۱۷۸)، قرآن (شعراء، آیه ۱۹۳؛ تکویر، آیات ۱۹ و ۲۱)، فرائض و احکام الهی (انفال، آیه ۲۷) به عنوان امانت‌های الهی معرفی شده است. پس مسئولان و رهبران جامعه اسلامی در قبال این امور دارای مسئولیت هستند و باید پاسخگو باشند.

مسئولان نه تنها در برابر خداوند باید پاسخگو باشند که با امانت‌های الهی چگونه رفتار کردند، باید نسبت به مردم نیز پاسخگو باشند، چرا که خداوند در آیاتی از قرآن می‌فرماید که مومنان در برابر خداوند و یکدیگر مسئول هستند و هر یک از مؤمنان نسبت به دیگری ولایت دارد. پس مومنان به سبب همین ولایت می‌بایست از مسئولان بپرسند که با امانت‌های الهی از جمله قرآن، احکام و قوانین اسلامی، بیت‌المال، اصل ولایت و مانند آن چگونه رفتار و برخورد کرده‌اند؟ آیا حق امانت را ادا کرده‌اند یا آنکه در آن خیانت کرده‌اند؟

خداوند در آیاتی از جمله آیه ۱۶۱ سوره آل‌عمران می‌فرماید که حتی پیامبر(ص) درباره امانت‌های الهی مسئول است و نمی‌تواند خیانت کند و از چنین چیزی به حکم عصمت مبرا و پاک است و هرگز خیانت نخواهد کرد؛ اما مؤمنان باید مواظب باشند که خیانت نکنند؛ چون دارای چنین عصمتی نیستند. پس اگر خیانت کنند در برابر خدا و پیامبر(ص) و مردم مسئول هستند و باید پاسخ بگویند و همین خیانت موجب می‌شود که به عنوان مرتکب گناه کبیره در دنیا و آخرت عذاب الهی را بچشند.

از نظر قرآن اگر بخواهیم شخصی را ارزیابی کنیم می‌بایست به رفتارهایش نگاه کنیم. بی‌گمان مهمترین رفتارهایی که براساس آن می‌توان شخص را ارزیابی کرد، رفتارهای مبتنی بر اصول اخلاقی از جمله عدالت، صداقت و امانت است. از این رو خداوند در بیان نشانه‌شناسی و رفتارشناسی شخصیت‌ها به امانت‌داری توجه می‌دهد و آن را ملاکی برای ارزیابی افراد معرفی می‌کند. (آل‌عمران، آیات ۷۵ و ۷۶)

در آیات قرآنی در بیان اینکه پیامبران شایستگی رهبری جامعه را دارند، به امانت‌داری آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید که این پیامبران سالیان سال در میان شما زیسته‌اند و شما آنان را به امانت‌داری می‌شناسید. پس با توجه به این سابقه در امانت‌داری بدانید که اینان رسولان امین الهی هم هستند و می‌توانند شما را به سرمقصد کمالات برسانند و محاسن و مکارم اخلاقی را به شما آموخته و شما را بدان تربیت و تزکیه کنند. (اعراف، آیه ۶۸؛ شعراء، آیات ۱۰۷ و ۱۲۵ و ۱۴۳ و ۱۶۲ و ۱۷۸ و آیات دیگر)

*** در آیات قرآنی اموری چون رسالت الهی، قرآن، فرائض و احکام الهی به‌عنوان امانت‌های الهی معرفی شده است. پس مسئولان و رهبران جامعه اسلامی در قبال این امور دارای مسئولیت هستند و باید پاسخگو باشند.**

پس در انتخاب مسئولان لازم است به مسئله سابقه امانت‌داری آنان توجه کرد، چنان که در انتخاب همسر، کارگر، کارگزار و خزانه‌دار و مانند آن به این مسئله اهتمام می‌شود و آن را به عنوان مهم ترین معیار در انتخاب قرار می‌دهند. (مومنون، آیات ۱ تا ۸؛ یوسف، آیه ۵۵؛ قصص، آیه ۲۶؛ معارج، آیه ۳۲)

**عوامل خیانت به خدا و خلق**

اما چرا برخی از مردم و مسئولان خیانت می‌کنند که این مسئله را باید در شخصیت آنان جست؛ زیرا هر کسی براساس شخصیت و شاکله خود رفتار می‌کند. (اسراء، آیه ۸۴)

ریشه بسیاری از رفتارهای خلاف اخلاق در اموری چون جهل (احزاب، آیه ۷۲)، روحیه ظلم و بی‌عدالتی(همان)، بی‌تقوایی (آل‌عمران، آیات ۷۵ و ۷۶)، خودبرتربینی و انحصارطلبی(آل‌عمران، آیه ۷۵)، دنیا دوستی، مال دوستی و فرزند دوستی (انفال، آیات ۲۷ و ۲۸) و مانند آن نهفته است.

انسانی که آخرت را قبول ندارد، به هیچ اصول اخلاقی پایبند نیست و اگر آخرتی را قبول داشته باشد، ولی سست ایمان باشد، هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی، او رابه سوی دنیاپرستی سوق می‌دهد و همین مسأله موجب می‌شود که در امانت‌های الهی و امانت‌های مردم خیانت ورزد و بی‌تقوایی پیشه کند.

**جان فدای امانت**

انسان مؤمن نه‌تنها این‌گونه نیست و به کف اخلاق یعنی ادای امانت پایبند است بلکه تمام تلاش خود را می‌کند که به شکل بهتر امانت را نگه داشته و به صاحب آن بازگرداند حتی اگر شرایط بگونه‌ای باشد که حفظ و نگه داشت امانت سخت باشد و می‌بایست جانش را در راه حفظ امانت بگذارد. امامان و پیشوایان صالح اسلام این‌گونه بودند و جان خویش را در راه حفظ امانت و پاسداری از آن دادند. شهادت امامان(ع) از این‌رو اتفاق افتاد که آنان خواستند امانت الهی یعنی ولایت و قرآن و فرائض اسلامی رابه عنوان امانات الهی نگه‌داری کنند و از همین روست که به امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر اقدام کرده و جان در این راه گذاشتند. امام حسین(ع) به صراحت از چنین گذشتی سخن به میان آورده است.

مسئولان نظام اسلامی می‌بایست نه‌تنها در چارچوب اخلاق عقلی و مدار عدالت حرکت کنند که امانت و صداقت پایه‌های آن را شکل می‌دهد، بلکه باید فراتر در مدار محاسن و مکارم اخلاقی حرکت کنند که در این صورت مسئولیت آنان در برابر خدا و خلق بیشتر خواهد بود آموزه‌های قرآنی بر این نکته تأکید می‌کند که محتوا و شکل یعنی جمهوری اسلامی می‌بایست بر مکارم اخلاقی استوار باشد. اسلام به جمهوریت بها می‌دهد؛ از این‌رو پیامبران از جمله حضرت صالح به مردم می‌گوید که من در میان شما سالها مانده‌ام و شما سابقه امانت‌داری مرا می‌دانید و حتی شما امید داشتید که مسئولیت‌های جامعه را به عهده بگیرم، اکنون که به همان سابقه، شما را به رسالت خود از سوی خدا دعوت می‌کنم، مرا نمی‌پذیرید و مجنون به جنون سحر شدید می‌دانید؟

به هرحال، در آیات قرآنی بر این نکته تأکید شده که مسئولان نظام اسلامی لازم است پاسخگوی خدا و خلق باشند و در راه ادای وظیفه و صیانت از امانت‌های خلق و خدا، جان را نیز فدا کنند. بنابراین، پیمان‌شکنی، خیانت در امانت (که همان مناصب و پستها و مسئولیتهای محوله است) هرگز سزاوار هیچ انسانی نیست چه رسد که از مسلمان و مؤمنی چنین عملی سرزند که گناه و جرم است.

«شاه کلید» شیخ نخودکی برای خوشبختی

## سه قفل با یک کلید!

مرحوم آیت‌الله حسنعلی اصفهانی مشهور به «شیخ نخودکی» در طول ۸ دهه عمر پربرکت خود کرامات بسیاری را رقم زد که مهم ترین آنها تشرّف نزد امام علی‌بن موسی‌الرضا(ع) است. این کرامت‌ها در سایه انس با قرآن و خواندن نماز اول وقت حاصل شد.

در قدیم که شهر مشهد مقدس به گستردگی کنونی نبود، روستای معروفی به نام «نخودک» کنار آن قرار داشت که شهرت خود را مرهون «شیخ حسنعلی اصفهانی» مشهور به شیخ نخودکی است.

این عارف، فقیه و فیلسوف بزرگ متولد سال ۱۲۴۱ در اصفهان است و از اساتید مشهور وی می‌توان میرزا جهانگیر خان قشقایی را نام برد. آیت‌الله نخودکی در مقطعی نیز با شهید مدرس هم‌حجره‌ای بوده است.

اما بیشترین شهرت شیخ نخودکی به دلیل کرامات اوست که از جمله آنها می‌توان به تشرف نزد حضرت خضر نبی و امام رضا علیهما السلام اشاره کرد. وی همچنین دارای قدرت‌های ماورائی از جمله طی‌الارض، آگاهی از غیب، چشم برزخی، دم مسیحایی و ... بود. او این قدرت‌های الهی را با تهجد، توکل، شب‌زنده‌داری، خواندن نماز اول وقت و انس با قرآن به دست آورده بود. مرحوم آیت‌الله کشمیری در این باره می‌گوید: مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی تا چهار سال در مشهد مقدس، هر شب تا صبح قرآن را ختم و به امام رضا(ع) هدیه می‌کرد تا به آن مقامات رسید.

از دیگر کرامات شیخ نخودکی این بود که زمان وفات خود را پیش‌بینی کرد و همان‌طور که وعده داده بود، در روز یکشنبه هفتم شهریور ۱۳۲۱ در سن هشتاد سالگی به جوار حق شتافت و طبق وصیتی که کرده بود، در صحن عتیق روبه روی ایوان طلا در حرم مطهر رضوی تدفین شد.

***جناب شیخ فرزندش را بر تهجد و نماز شب سفارش می‌کرد و می‌گفت: «بدان که در راه حق و سلوک این طریق، اگر به جایی رسیده‌ام، به برکت بیداری شب‌ها و مراقبت در امور مستحب و ترک مکروهات بوده است، ولی اصل و روح همه این اعمال، خدمت به ذراری (فرزندان) ارجمند رسول اکرم (ص) است».**

**نماز اول وقت، «شاه کلید» است**

مرحوم شیخ بر خواندن نمازهای روزانه در اول وقت تأکید بسیار داشت و این نخستین وصیت او به فرزند خویش بود. این عارف حقیقی می‌گفت: اگر آدمی یک اربعین به ریاضت پردازد، اما یک نماز صبح از او قضا شود، نتیجه آن اربعین، «هَبَاءً مَنثُورًا» خواهد شد. (اشاره به آیه ۲۳ سوره فرقان و به معنای پراکنده‌شدن ذرات غبار در هوا)

جناب شیخ فرزندش را بر تهجد و نماز شب سفارش می‌کرد و می‌گفت: «بدان که در راه حق و سلوک این طریق، اگر به جایی رسیده‌ام، به برکت بیداری شب‌ها و مراقبت در امور مستحب و ترک مکروهات بوده است، ولی اصل و روح همه این اعمال، خدمت به ذراری (فرزندان) ارجمند رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است».

نقل است جوانی نزد شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی آمد و گفت: سه قفل در زندگی‌ام وجود دارد و سه کلید از شما می‌خواهم! قفل اول این است که دوست دارم یک ازدواج سالم داشته باشم، قفل دوم اینکه دوست دارم کارم برکت داشته باشد و قفل سوم اینکه دوست دارم عاقبت بخیر شوم. شیخ نخودکی فرمود: برای قفل اول، نمازت را اول وقت بخوان. برای قفل دوم نمازت را اول وقت بخوان و برای قفل سوم هم نمازت را اول وقت بخوان!

جوان عرض کرد: سه قفل با یک کلید؟!

شیخ نخودکی فرمود: نماز اول وقت «شاه کلید» است.

منبع: فارس

چراغ راه

## نعمت حوائج مردم

**قال‌الحسین(ع): واعلموا ان حوائج الناس الیکم من نعم‌الله علیکم فلا تملوا النعم فتحور نقما.**

امام حسین(ع) فرمود: «بدانید و آگاه باشید که حوائج مردم به شما از نعمت‌هایی است که خداوند به شما ارزانی داشته، پس در برابر این نعمت‌ها اظهار ملالت نکنید تا مبادا تبدیل به نقمت و قهر و غضب و عذاب گردد.[۱]

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۱

حکایت خوبان

## ویژگی‌های ممتاز امام حسین(ع)

محمد بن مسلم نقل می‌کند که از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمودند: خداوند تبارک و تعالی به امام حسین(ع) عوض شهادتش سه چیز به او عطا فرموده است:

۱- امامت را در نسل او مقرر فرموده و همه امامان معصوم(ع) از فرزندان آن حضرت می‌باشند.

۲- درتربت پاک آن حضرت شفا و بهبودی قرار داده است.

۳- دعا در نزد قبر مطهر آن حضرت مستجاب می‌شود، و روزهایی که زائرین آن حضرت به زیارتش می‌روند و برمی‌گردند، جزء عمر آنها محسوب نمی‌شود.[۱]

۱- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۱

پرسش و پاسخ

## تفاوت انقلاب اسلامی با اسلام انقلابی

**پرسش:**

**مفاهیم همچون انقلاب اسلامی و اسلام انقلابی، حکومت دینی و دین حکومتی چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ لطفا کنشهای متناسب با هر یک را به نحو اجمال توضیح دهید.**

**پاسخ:**

**۱- انقلاب اسلامی**

ما اگر انقلاب را دگرگونی بنیادی در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بدانیم که همیشه با سرنگونی نظام سیاسی حاکم و جایگزینی نظام جدید همراه است ، انقلاب اسلامی عبارت خواهد بود از دگرگونی بنیادی در تمامی عرصه‌ها و ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن منطبق بر جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی که از حمایت آحاد مردم برخوردار است. امام خمینی(ره) در این زمینه می‌فرمایند: «شک نباید کرد که انقلاب اسلامی از همه انقلاب‌ها جداست، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام... جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است، اسلام و احکام مترقی آن است. (وصیت‌نامه امام خمینی(ره)، ص ۷)

**حکومت دینی**

به طور طبیعی کسانی که معتقد به انقلاب اسلامی هستند کنش و رفتار آنان حکومت دینی را به دنبال دارد. حکومت دینی، حکومتی است که هماهنگ با تعالیم دینی و براساس دین باشد و در هیچ زمینه‌ای، با آموزه‌های دینی ناسازگار نباشد. البته در این بحث، دین اسلام محور سخن است نه هر دینی. بنابراین حکومت دینی مطلوب، نظامی است که همه ارکان و ابعادش، برگرفته از دین و سازگار با آن باشد. «ومن لم یحکم بما انزل‌الله فاولئک هم الکافرون» (مائده- ۴۴)

کسی که به آنچه از جانب خدا نازل شده حکم نکند، پس آنان از کافران هستند.

حکومت دینی مراتب و درجاتی دارد که مرتبه عالی و مطلوب آن حکومت امام زمان(عج) و دولت کریمه آن حضرت می باشد که دیگر حکومت‌های دینی باید زمینه‌ساز تحقق دولت کریمه امام زمان(عج) قرار گیرد. نکته کلیدی در حکومت دینی این است که صرف حکومت و قدرت سیاسی مورد هدف نیست بلکه حکومت وسیله و ابزاری جهت تحقق ارزشهای والای اسلامی است. بنابراین همان‌گونه که در انقلاب اسلامی هدف غایی، اسلام و احکام و ارزش‌های نورانی آن است در حکومت دینی نیز خواستگاه مطلوب و غایی حکومت، تحقق ارزش‌های اسلام است.

**۲- اسلام انقلابی**

اسلام انقلابی به معنی وسیله قرار دادن اسلام برای انقلاب است. براساس این دیدگاه، انقلاب اصل و هدف است و اسلام وسیله و ابزاری است برای مبارزه و انقلاب. نگاه تک بعدی و اسلام را تنها از دریچه انقلاب و مبارزه نگریستن، ویژگی اساسی این دیدگاه است. شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «انقلاب اسلامی یعنی راهی که هدف آن اسلام و ارزش‌های اسلامی است و انقلاب و مبارزه،صرفا برای برقراری ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد و به بیان دیگر، در این راه، مبارزه هدف نیست، وسیله است. اما عده‌ای میان انقلاب اسلامی و اسلام انقلابی اشتباه می‌کنند. یعنی برای آنها انقلاب و مبارزه هدف است، اسلام وسیله‌ای است برای مبارزه. اینها می‌گویند هرچه از اسلام که ما را در مسیر مبارزه قرار بدهد، آن را قبول می‌کنیم و هرچه از اسلام که ما را از مسیر مبارزه دور کند، آن را طرد می‌کنیم. طبیعی است که با این اختلاف برداشت میان انقلاب اسلامی و اسلام انقلابی، تفسیرها و تعبیرها از اسلام و انسان و توحید و تاریخ و جامعه و آیات قرآن، با یکدیگر متضاد و متناقض می‌شود. فرق است میان کسی که اسلام را هدف می‌داند. مبارزه و جهاد را وسیله‌ای برای برقراری ارزش‌های اسلامی، با آن که مبارزه را هدف می‌داند و هدفش این است که من همیشه بایددر حال مبارزه باشم و اصلا اسلام آمده برای مبارزه. در جواب این گروه باید گفت که برخلاف تصور شما، با آنکه در اسلام، عنصر مبارزه هست، اما این بدان معنی نیست که اسلام فقط برای مبارزه آمده و هدفی جز مبارزه دارد، در اسلام دستورات بی‌شماری وجود دارد که یکی از آنها مبارزه است.»(استاد شهید مطهری مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۱۷۳)

**دین حکومتی**

به طور طبیعی کسانی که معتقد به اسلام انقلابی هستند، کنش و رفتار آنان دین حکومتی را به دنبال دارد. دین حکومتی به معنای استفاده از دین درجهت اهداف حکومت و اصل و مبنا قراردادن حکومت است، هرچند حکومت و اهداف آن، براساس قوانین ومعیارهای اسلام نباشد و به تعبیر دیگر، نگاه ابزاری به دین و پذیرفتن دین و احکام آن تا آنجا که